

ذره بین

دستگیری ۵۶۱ سارق و مالخر و انهدام پنج باند قاچاق در تهران



شهروند | ۵۶۱ سارق، مالخر و... در بیستوششمین مرحله از طرح رعد دستگیر شدند. سردار رحیمی، فرمانده انتظامی پایتخت درباره بیستوششمین مرحله از طرح رعد که پیش از ظهر سه شنبه در محل پلیس پیشگیری پایتخت برگزار شد، اظهار کرد: «بیستوششمین مرحله با یکارگیری تمام توان و نیروهای پلیس طی ۴۸ ساعت گذشته با اخذ ۳۱۵ فقره حکم قضائی و هماهنگی با دستگاه قضائی و دادسراهای تهران اجرا شد و طی آن ۵۶۱ سارق، مالخر و سایر مجرمان مرتبط با جرم‌های به وقوع پیوسته در تهران دستگیر شدند.»

وی با بیان این که در مجموع در این مرحله ۵۲ هزار و ۲۲۹ مورد از اموال سرقتی مردم از جمله لوازم خودرو، موبایل، اموال منزل و مغازه و... کشف و ضبط شد، گفت: «در این مرحله از طرح رعد تا این لحظه ۸۳۰ پرونده برای سارقان تشکیل شده است که این افراد در قالب ۲۱ باند اقدام به فعالیت می کردند.»

فرمانده انتظامی پایتخت درباره سلباقه افراد دستگیر شده نیز اظهار کرد: «از ۵۶۱ نفری که در این مرحله دستگیر شدند، بالغ بر ۳۰۰ نفر دارای سابقه هستند که برخی از این افراد برای چندمین بار دستگیر شدند.»

سردار رحیمی با بیان این که ارزش اموال مسروقه مکشوفه بالغ بر ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون بوده است، گفت: «تا به حال با استفاده از بررسی‌های انجام شده صاحبان ۸۷ درصد اموال شناسایی شده است، همچنین در این مرحله از طرح رعد پنج قبضه سلاح گرم و ۳۹ قبضه سلاح سرد کشف شد.»

رئیس پلیس پایتخت در خاتمه درباره کشفیات در حوزه کالای قاچاق نیز گفت: «در حوزه مبارزه با کالای قاچاق که بخش دیگری از طرح رعد است، ۲۸ قاچاقچی دستگیر شدند و در مجموع پنج باند قاچاق معدوم شد. ارزش این اموال حدود ۲ میلیارد تومان است.»

پیداشدن جوان گمشده در جنگل‌های چالوس



شهروند | جوان گمشده در جنگل‌های ذوات چالوس بعد از ۱۰ ساعت عملیات جست‌وجوی تیم امداد و نجات پیدا شد.

با تلاش ۱۰ ساعته سه تیم از امدادگران هلال‌احمر و اهالی منطقه در عملیات جست‌وجو جوان ۲۵ ساله بومی در ساعت ۱۲ ظهر روز سه شنبه در جنگل‌های منطقه پیدا شد.

این جوان که به همراه یکی از دوستانش صبح روز دوشنبه برای چیدن تمشک وارد جنگل‌های منطقه ذوات می‌شوند، از همدگر جدا می‌شوند که یکی از آنان موفق به بازگشت می‌شود.

نیروهای امدادی هلال‌احمر این فرد را سالم در نزدیکی رودخانه‌های این منطقه یافتند. رئیس جمعیت هلال‌احمر چالوس با اعلام این خبر از مردم خواست حتی الامکان در جنگل‌های منطقه که آشنایی چندانی ندارند، سفر نکنند.

جنگل، سد و آبشار طبقاتی ذوات یکی از جاذبه‌های گردشگری در شهرستان چالوس است که هر ساله به‌ویژه در ایام تعطیلات گردشگران زیادی را جذب می‌کند. شهرستان چالوس با جمعیت ۱۶ هزار نفر و بیش از ۱۰۰ روستا با داشتن طبیعت زیبا و سابقه تاریخی مسالانه پذیرای میلیون‌ها گردشگر داخلی و خارجی است.

موقعیت پناهگاه‌ها یا گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.

اهدای قلب نوجوان ۱۶ ساله به دختر ۱۴ ساله تهرانی

شهروند | در عملیات اهدای عضو که برای سومین بار با مدیریت اورژانس کشور و با همکاری اداره پیوند و زارت بهداشت انجام می‌شود، قلب یک نوجوان ۱۶ ساله اهل لاهیجان که به دلیل تصادف با موتور و نداشتن کلاه ایمنی دچار حادثه و مرگ مغزی شده بود، به دختر ۱۴ ساله‌ای (تهرانی) در بیمارستان قلب شهید رجایی تهران که مبتلا به نارسایی قلبی بود، اهدا شد. همچنین کلیه این نوجوان ۱۶ ساله به بیمار نیازمند در رشت اهدا و کبد وی نیز برای پیوند به بیماری دیگر به شیراز ارسال شد.

زن ۴۰ ساله در کیف همسرش ۴۸ گرم شییشه جاساز کرد

انتقام عجیب از شوهری که سرش با گواشی گرم بود



شهروند | بی‌محل و گواشی بازی‌های مرد جوان باعث شد تا همسرش نقشه‌ای عجیب و هولناکی بکشد. زن جوان که بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک، احساس می‌کرد شوهرش از او فاصله گرفته و به او اهمیت نمی‌دهد، از روی لجبازی انتقام سختی گرفت؛ انتقامی که ممکن بود شوهرش را تا ابد راهی زندان کند. این زن با همدستی خواهرزاده‌اش ۴۸ گرم شییشه را در کیف شوهرش گذاشت و او را به پلیس لو داد تا بتواند طلاق غیابی بگیرد. این مرد بی‌گناه وقتی که با همسرش به پارک رفته بود، گرفتار مأموران پلیس شد. او به خاطر لجبازی همسرش به جرمی که مرتکب نشده بود، دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت. همسرش و خواهرزاده او هم در طرح رعد ۲۶ پلیس پیشگیری پایتخت بازداشت شدند. این زن صبح دیروز در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» این ماجرای عجیب را روایت کرد.

چرا این نقشه را برای شوهرت کشیدی؟ خیلی وقت بود که از دستش خسته شده بودم. شوهرم چند وقتی می‌شد که از من فاصله گرفته بود؛ اصلا به من اهمیت نمی‌داد. مدام سرش توی گوشه بود، یک گوشه جدید خرید بود که وقتی به خانه می‌آمدم، مدام با آن سرگرم بود. هر چه سعی می‌کردم کمی به من اهمیت بدهد، فایده‌ای نداشت و به من محبت نمی‌کرد. من هم دیگر از این رفتارهایش خسته شده بودم، خیلی احساس تنهایی می‌کردم و کم‌کم دچار افسردگی هم شدم. می‌خواستیم از او جدا شویم. فکر انتقام هم به سرم زده بود. برای همین تصمیم گرفتم این کار را انجام دهم تا هم بتوانم طلاق غیابی و هم از شوهرم انتقام بگیرم.

چه شد که این نقشه به ذهنت رسید؟ از قبل می‌دانستم که مجازات حمل بیش از ۳۰ گرم شییشه حبس ابد است؛ برای همین تصمیم گرفتم این کار را انجام دهم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

در این پرونده ۳ مرد که یکی پولدار و دیگری مهندس بود، دستگیر شدند

علاقه مرد میلیارد در به کلکسیون از عتیقه جات سرقتی

شهروند | حساسیت پر از پول است. هیچ نیاز مالی ندارد. سه خانه در تهران و ترکیه برای خودش خریده و زندگی رفاهی دارد. با این حال به جرم خرید مال مسروقه در حیاط پلیس پیشگیری پایتخت ایستاده و از علاقه‌اش به عتیقه جات می‌گوید. مرد جوانی که ساکن ترکیه است، مادر تهران با دو دوست تحصیلکرده‌اش همدست شد و عتیقه‌های گرانبه‌ای را سرقت کرد. دوستانش سه روز تمام به آن خانه می‌رفتند و می‌آمدند. به راحتی وارد خانه خالی از سکنه می‌شدند و سر فرصت سرقت‌هایشان را انجام می‌دادند. در آن خانه ویلایی به راحتی غذا درست می‌کردند و می‌خوردند. وقتی سیر می‌شدند سرقت را انجام می‌دادند. دوستی که در نهایت پس از سه روز رفت و آمد به خانه مرد پولدار، وسایل گرانبه‌ای آن خانه را در دیدند و به رفیقشان فروختند. مرد جوانی که تصمیم گرفته بود کلکسیون از عتیقه‌جات را جمع کند و برایش سرقتی بودن آنها فرقی نداشت. بهرام صبح دیروز در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» ماجرای این دزدی و دستگیری شدنش را روایت کرد:

نخستین بار است که دستگیر می‌شوی؟ بله. من اصلا اهل خلاف کردن نیستم. الان هم به دلیل علاقه‌یادم به عتیقه‌جات این جا هستم.

چرا اموال مسروقه را خریدی؟ من مالخر واقعی نیستم. ماجرا از این قرار بود که دو دوستم یک روز به سراغم آمدند و گفتند که از یک خانه عتیقه‌جات زیبایی را سرقت کرده‌اند. وقتی آن عتیقه‌جات را دیدم، وسوسه شدم و چون علاقه زیادی به جمع کردن این عتیقه‌ها دارم تصمیم گرفتم آنها را بخرم. چون می‌خواستم به‌خانه‌مان در ترکیه ببرم.

در ترکیه زندگی می‌کنی؟ بله. با همسرم آن‌جا زندگی می‌کنیم. البته یک خانه هم در تهران دارم و مرتب در رفت‌وآمد هستم. ولی در ترکیه

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد؟ نه؛ او تراشکار است و همیشه سرش به کارش گرم است اصلا اهل خلاف و اعتیاد نیست. برای همین دلم نیامد که او به زندان بیفتد. خیلی زود بشیمان شدم و خودم را به پلیس لو دادم.

شییشه را خودت تهیه کردی؟ خواهرزاده‌ام خیلی با من صمیمی بود. از قبل می‌دانست که با شوهرم اختلاف دارم؛ وقتی موضوع انتقام را گفتم و از او کمک خواستم، او هم قول داد که کمک کند. او رفت و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرد و آن را تحویل من داد. آن روز در پارک هم خواهرزاده‌ام بود.

چند وقت است که از دواج کرده‌ای؟ ۲۰ سال؛ یک دختر چهارده ساله و یک پسر دوازده ساله هم دارم. امانتوانستم بی‌محل‌های شوهرم را تحمل کنم؛ برای همین دست به چنین کاری زدم.

مجازات سنگینی در انتظار شوهرم باشد.

نقشه را چطور اجرا کردی؟ به همسرم گفتم که به پارک برویم با دختر و پسر و شوهرم راهی پارک شدیم؛ خواهرزاده‌ام هم همراه بود. او از قبل نقشه را می‌دانست و ۴۸ گرم شییشه را تهیه کرده بود. وقتی در پارک بودیم، شییشه‌ها را در کیف شوهرم گذاشتم و بعد به گشت پلیس پارک مراجعه کردم و شوهرم را لو دادم. وقتی آنها آمدند و مواد را در کیفش پیدا کردند، شوهرم بشدت شوکه شده بود.

خودت حقیقت ماجرا را به پلیس گفتی؟ بله؛ اولش که این کار را کردم، خیلی راضی بودم اما بعدش عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. دلم نیامد شوهرم سالیان سال در زندان بماند؛ آن هم به جرم کاری که انجام نداده بود.

همسرت اعتیاد هم دارد